

Assessment of Geopolitical Dispute in the Persian Gulf Region (Example of Internal Dispute in the Islamic world)

Sayed Mehdi Mousavi Shahidi*

PhD in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran, S.m.mousavi1990@ut.ac.ir

Bahador Zarei

Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Iran, b.zarei@ut.ac.ir

Abstract

Objective: The purpose of this study is to investigate the geopolitical differences in the Persian Gulf region. Today, the Persian Gulf is known as one of the most important geopolitical areas in the world. The geo-economic importance of the region due to the existence of energy resources, good communication position and geopolitical structure of the region has led to historical and civilizational differences between the countries of the region as well as differences between trans-regional countries in relations with countries.

Method: The method of this research is "applied" in terms of purpose and "descriptive-analytical" in terms of nature. Using John Coliner's theory, which focuses on geopolitical differences, this study seeks to answer the question of what factors and components lead to geopolitical differences in the Persian Gulf region?

Results: The findings of the study indicate geopolitical differences in the Persian Gulf region in the dimensions of territorial disputes (claims and disputes over borders, land and maritime territories), strategic disputes (disputes between countries over strategic places and points such as Arvand River, Abu Musa and the Strait of Hormuz), economic disputes (disputes over energy resources and common offshore fields), environmental disputes (disputes over the marine environment and water scarcity in the region) and cultural disputes (historical-civilizational disputes and Ethnicity) which has led to competition and geopolitical tensions in the relations of the countries of the region and the involvement of supra-regional powers in the Persian Gulf region.

Conclusion: The results of the study indicate the geopolitical differences between the countries of the Persian Gulf region include five dimensions: "territorial, economic, strategic, cultural and environmental". The most important consequences of these differences are "failure to form a comprehensive regional organization", "lack of collective security approach", "First and Second Persian Gulf Wars", "geopolitical rivalries" and "proxy wars" are present.

Keywords: Persian Gulf, Geopolitical Differences, Geopolitical Competition, John Collins.

Article type: Research

* Received on 19 December, 2021 Accepted on 12 April, 2022

Cite this article: Mousavi Sahidi & Zarei (2022) Assessment of Geopolitical Dispute in the Persian Gulf Region (Example of Internal Dispute in the Islamic world), Fall 2022, Vol.11, NO.3, 53-70.

DOI: 10.30479/psiw.2022.16679.3075

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Sayed Mehdi Mousavi Sahidi

E-mail: S.m.mousavi1990@ut.ac.ir

ارزیابی اختلافات ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس (نمونه‌ای از اختلافات درونی جهان اسلام)

سید مهدی موسوی شهیدی

دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، s.m.mousavi1990@ut.ac.ir

بهادر زارعی

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، B.zarei@ut.ac.ir

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، بررسی اختلافات ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس است. امروزه خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی جهان شناخته می‌شود که این مهم با نگاهی به نظریه‌ها و رویکردهایی نظیر «اسپایکمن»، «جفری کمپ» و «فون‌لوهازن» مشاهده می‌گردد. اهمیت ژئوآکونومیک موجود در منطقه به خاطر وجود منابع انرژی، موقعیت ارتباطی مناسب و ساختار ژئوپلیتیک منطقه منجر به اختلافات تاریخی و تمدنی میان کشورهای منطقه و همچنین اختلاف میان کشورهای فرامنطقه‌ای در روابط با کشورهای منطقه شده است.

روش: روش این پژوهش از نظر هدف، «کاربردی» و از نظر ماهیت، «توصیفی - تحلیلی» است. این پژوهش، با بهره‌گیری از تئوری «جان کالینر» که معطوف به اختلافات ژئوپلیتیکی است به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه عوامل و مؤلفه‌هایی منجر به اختلافات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس می‌شود؟

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر اختلافات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس در ابعاد اختلافات سرزمینی (ادعاها و اختلافات بر سر مرز، سرزمین و قلمروهای دریایی)، اختلافات استراتژیک (اختلافات میان کشورها بر سر مکان‌ها و نقاط استراتژیک نظیر ارون رود، ابوموسی و تنگه هرمز)، اختلافات اقتصادی (اختلاف بر سر منابع انرژی و میادین دریایی مشترک)، اختلافات زیست‌محیطی (اختلاف بر سر محیط زیست دریایی و کمبود منابع آب موجود در منطقه) و اختلافات فرهنگی (اختلافات تاریخی - تمدنی و قومیتی) است که منجر به رقابت و تنش ژئوپلیتیکی در روابط کشورهای منطقه و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه خلیج فارس شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بیانگر اختلافات ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خلیج فارس در پنج بُعد «سرزمینی، اقتصادی، استراتژیک، فرهنگی و زیست‌محیطی» است که مهم‌ترین پیامدهای این اختلافات «عدم شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای جامع»، «فقدان رویکرد امنیتی دسته‌جمعی»، «جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس»، «رقابت‌های ژئوپلیتیکی» و «جنگ‌های نیابتی» در حال حاضر شده است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، اختلافات ژئوپلیتیک، رقابت ژئوپلیتیک، جان کالینر.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱/۲۳

استناد: موسوی شهیدی و زارعی (۱۴۰۱)، ارزیابی اختلافات ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس (نمونه‌ای از اختلافات درونی جهان اسلام)، پاییز ۱۴۰۱، دوره ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۳: ۵۳-۷۰.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی جهان در عصر حاضر شناخته می‌شود. «خلیج فارس، با ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت خود که معادل ۴۸ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است، ۳۰/۷ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیاست، بی‌تردید بزرگترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موفقیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت. موقعیت ویژه خلیج فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت استراتژیک و اهمیت آن به‌عنوان یک بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه، توجه جهان را به شدت به این منطقه معطوف داشته است. علی‌رغم ظرفیت‌های زیاد این منطقه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی جهان، این منطقه همواره در معرض اختلافات میان کشورهای منطقه‌ای و همچنین دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده که نمود آن در جنگ‌های ایران - عراق، عراق و کویت و حمله نظامی آمریکا به عراق مشاهده می‌گردد. در دوران کنونی نیز بررسی روابط کشورها، نشان‌دهنده رقابت و تنش در روابط ایران و عربستان است که در قالب یک جنگ سرد نوین در خاورمیانه ادامه دارد و رقابت دو کشور در کشورهای بحرین، عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین به‌صورت پیوسته ادامه دار بوده است؛ اما آنچه حائز اهمیت است، شناسایی ریشه این اختلافات در روابط کشورهای منطقه خلیج فارس است. بنابراین مسأله اصلی این پژوهش این است که بسترها و زمینه‌های اختلافات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس چه عواملی هستند؟

چارچوب مفهومی تحقیق

ژئوپلیتیک

«آرون^۱» معتقد است که ژئوپلیتیک، ترکیبی از برنامه‌ریزی جغرافیایی با منابع اقتصادی است که در این راستا، هم روابط دیپلماتیک برنامه‌ریزی می‌شود و هم به ژئواکونومیک و منابع اقتصادی توجه می‌شود (Aron, 2019). در واقع «ژئوپلیتیک تلاش برای جلب توجه به اهمیت برخی الگوهای جغرافیایی مشخص در تاریخ سیاسی کشورها می‌باشد. این یک ایده درباره روابط فضایی و نقش پدیده‌های جغرافیایی در شکل‌گیری وقایع تاریخی است (Sloan, 2020: 8). «گریگیل^۲» معتقد است که ژئوپلیتیک دارای دو عنصر تشکیل دهنده است: خطوط ارتباطی و افزایش اهمیت آن‌ها به دلیل تغییرات در حمل و نقل و تسلیحات فناوری، موقعیت منابع طبیعی و نقش آن‌ها در قدرت اقتصادی کشورها (Grygiel, 2016: 24-25). «هاگمن^۳» معتقد است که

1.R. Aron
2.J.J. Grygiel
3. Haggman

ژئوپلیتیک باید یک حوزه مطالعاتی که محل تلاقی سه رشته مهم است و هر سه باید در نظر گرفته شود و به آن پرداخته شود. این سه حوزه عبارتند از: جغرافیا، مطالعات استراتژیک و تاریخ (Haggman, 2018: 107).

آنچه که از تعاریف ارائه شده از ژئوپلیتیک درک می‌شود، تأکید بر نقش ژئوپلیتیک در روابط بین کشورها و تأکید بر مؤلفه‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است که می‌تواند بر تصمیم سیاستمداران تأثیرگذار باشد و وقایع تاریخی هم گواه این حقیقت است که همواره مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، نقش اساسی در شکل‌گیری رخدادهای سیاسی مهم؛ نظیر جنگ‌های جهانی و شکل-گیری کشورهای مستقل داشته است (Gray, 2013: 125). «دی‌ئون پیتا» معتقد است که ابعاد موضوعی ژئوپلیتیک در سه طیف موضوعات سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار دارد. در این میان، ابعاد سیاسی شامل: «مدیریت داخلی، روابط میان کشورها، دیپلماسی، تنش‌های کوچک مقیاس، سرمایه‌گذاری‌ها، کشورهای هم‌پیمان و شرکا»، ابعاد اقتصادی شامل: «منابع طبیعی، مسیرهای تجاری، مبارزه با دزدان دریایی، تولیدات مکان‌محور» و ابعاد نظامی شامل: «امنیت داخلی و امنیت بین‌المللی است» (Petta, 2019: 51).

اختلافات ژئوپلیتیک

اختلافات ژئوپلیتیک، اختلاف میان کشورها در زمینه‌های مختلف است که ریشه در سرزمین و جغرافیای کشورها دارد. به عبارت دیگر؛ اختلافات ژئوپلیتیک میان کشورها تا حد زیادی به عوامل جغرافیایی بستگی دارد. موقعیت، ادعاهای سرزمینی، جزایر، شکل، محیط زیست، جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، اجتماعی و سازمان سیاسی، مؤلفه‌های جغرافیایی هستند که بر اختلافات و رقابت کشورها می‌توانند اثرگذار باشند (Dina Rashed, 2019: 3). در واقع، اختلافات ژئوپلیتیکی میان کشورها، مبنایی برای رقابت و گاهی منازعه فراهم می‌کند. به عبارت دیگر؛ منازعه وقتی حادث می‌شود که طرفین تصور و درکی از اختلاف میان خود داشته باشند و تلاش نمایند این اختلاف را به نفع خود حل و فصل کنند و خاتمه دهند (Dougherty and Pfaltzgraff, 1981: 297).

چارچوب نظری تحقیق

«جان ام کالینز^۲»، در کتاب خود با عنوان «جغرافیای نظامی، برای متخصصین و عموم» که در سال ۱۹۹۸ در دانشگاه دفاع ملی واشنگتن به چاپ رسانده است، به بررسی اختلافات ژئوپلیتیکی می‌پردازد. وی معتقد است که بیشتر اختلافات ژئوپلیتیکی؛ شامل رقابت‌ها و جنگ‌ها، ریشه در سرزمین و مناطق ساحلی دارد؛ جایی که اغلب کشورها اهداف مورد ادعا را دنبال

1. Di Leon Pita
2. John M Collins

می‌کنند. این اختلافات می‌تواند زمینه را برای رقابت و تنش ژئوپلیتیکی میان کشورهای یک منطقه و همچنین قدرت‌های فرامنطقه‌ای فراهم کند. در واقع وجود این اختلافات، زمینه را برای ورود و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در راستای ایجاد توازن فراهم می‌سازد. وی مهم‌ترین زمینه‌های مورد اختلاف میان کشورها را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کند:

• اختلافات سرزمینی: اختلافات سرزمینی اشاره به حالتی دارد که در آن یک کشور ادعای حق مالکیت و حاکمیت بر بخش‌هایی از سرزمین کشور دیگری را دارد. در این نوع اختلافات، زمینه‌های جغرافیایی و مؤلفه‌های آن در تنش کشورها اثرگذار است. در این مورد، تأکید اصلی بر مرزهای سرزمینی، آب‌های سرزمینی و ادعا بر سر سرزمین‌های دیگر می‌باشد.

• اختلافات استراتژیک: اختلافات استراتژیک بر نقش «مکان‌ها و نقاط استراتژیک» در رقابت و تنش میان کشورها تأکید دارد. در مورد اختلافات استراتژیک، می‌توان به اختلافات میان آرژانتین و شیلی، بریتانیا و اسپانیا، چین و هند، چین و روسیه، چین و تایوان، چین و ویتنام، کوبا و ایالات متحده آمریکا، اکوادور و پرو، مصر و سودان، اتیوپی و سومالی، یونان و ترکیه، هند و پاکستان، اندونزی و مالزی، ایران و امارات متحده عربی، عراق و ایران، عراق و کویت، عراق و عربستان سعودی، اسرائیل و فلسطین، اسرائیل و سوریه، کره شمالی و کره جنوبی و روسیه و ژاپن می‌توان اشاره کرد که ریشه این اختلافات در «مکان‌ها و نقاط استراتژیک سرزمینی» می‌باشد.

• اختلافات اقتصادی: کالینز، در این مورد بیش از هر چیزی بر «منابع انرژی و جزایر» تأکید می‌کند. مسأله دسترسی به منابع انرژی و انتقال منابع، انرژی را به موضوع ژئوآکونومیکی مهمی در روابط ژئوپلیتیکی کشورها تبدیل می‌کند. در این میان، همکاری کشورها در بهره‌برداری از منابع انرژی مشترک، فروش منابع انرژی زمینه‌ای برای تعاملات ژئوپلیتیکی کشورها محسوب می‌شود. در نقطه مقابل کشمکش‌ها و اختلافات کشورها بر سر مالکیت جزایر، و اختلافات در بهره‌برداری از منابع انرژی در بسترهای مشترک، مبنایی برای تعارضات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود.

• اختلافات فرهنگی: برخی اختلافات فرهنگی در مقیاس محلی یا منطقه‌ای است؛ در حالی که برخی دیگر دارای پیامدهای گسترده‌ای است. در مورد اختلافات فرهنگی می‌توان بر نقش قومیت، مذهب و نژادهای متفاوت در اختلاف میان کشورها تأکید کرد. در این میان، خطوط جدا کننده نژادهای انسانی، بستری برای برخورد علائق فرهنگی و سبک‌های زندگی متفاوت هستند و اختلافات ژئوپلیتیک میان گروه‌های قومی و مذهبی را به وجود می‌آورند. در هنگام بروز منازعه ژئوپلیتیکی بر سر منافع فرهنگی و آداب و رسوم کشورها با یکدیگر، افتخار کردن به دودمان و نژاد، موجب خصومت‌های طولانی می‌شود؛ زیرا علائق نژادی در حقیقت از دیگر علائق محکم‌تر است. در واقع سرچشمه بنیادین تعارض در جهان پس از جنگ سرد، ایدئولوژیکی یا اقتصادی

نخواهد بود، بلکه شکاف‌های عمده در میان نوع بشر و سرچشمه اصلی مناقشات و تعارض‌ها، عوامل فرهنگی خواهد بود.

• اختلافات زیست‌محیطی: در این مورد کالینز بر مسائلی از قبیل آلودگی منابع آب دریا و همچنین کمبود آب شیرین موجود در جهان که می‌تواند منجر به اختلافات زیست‌محیطی و تقابل ژئوپلیتیکی میان کشورها شود، تأکید کرده است. مسائل زیست‌محیطی، دریاها را به صورت‌های مختلف و به تبع آن مناطق مرزی دریایی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بیشتر اختلافات زیست‌محیطی بر کمبود منابع آب و همچنین عوامل محیط‌زیست تأکید دارد؛ چرا که اولاً این منابع نادر و کمیاب‌اند. دوم؛ برای استمرار حیات انسان ضروری‌اند و سوم این که قابلیت کنترل فیزیکی دارند (Collins, 1998: 285-300).

روش تحقیق

روش این پژوهش به لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی است و از نظر روش‌شناسی، با استفاده از تئوری جان کالینز به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارائه نتایج پرداخته است. در این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات و مستندات آن، کتابخانه‌ای، آمار و ارقام و تجزیه و تحلیل‌های لازم در خصوص منطقه خلیج فارس از سایت‌های معتبر بین‌المللی و منابع مهم و متون علمی در حوزه ژئوپلیتیک و همچنین از نظرات اساتید صاحب‌نظر جهت تحلیل اختلافات ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس در این مقاله استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

متناسب با تئوری «جان کالینز»، مهم‌ترین زمینه‌های اختلافات ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس، در پنج بُعد اختلافات «سرزمینی، اقتصادی، فرهنگی، استراتژیک و زیست‌محیطی» قرار دارند که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند:

اختلافات سرزمینی

اختلافات سرزمینی در منطقه خلیج فارس در دو بُعد اختلافات بر روی قلمروهای خشکی و اختلافات بر روی قلمروها و مرزهای دریایی طبقه‌بندی می‌شود. اختلافات و چالش‌های بین بازیگران منطقه‌ای و غلبه تهدید و عدم اطمینان این بازیگران به همدیگر را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌ها در الگوهای روابط در منطقه خلیج فارس برشمرد. ایجاد امنیت پایدار در خلیج فارس، مستلزم کاهش اختلافات و چالش‌های موجود بین کشورهای منطقه و اعتمادسازی در جهت حرکت به سوی همکاری و دوستی است، اما عوامل مختلف تأثیرگذار در الگوهای تعامل و تنش؛ از جمله اختلافات ارضی و مرزی باعث شده است تا تهدید، تنش و رقابت‌های سخت بر

همکاری و تعامل بین کشورهای منطقه غالب باشد. از حیث اختلافات سرزمینی، منطقه خلیج-فارس را می‌توان کانون اختلافات و چالش‌های مرزی نامید. کشورهای واقع در این منطقه همگی دارای اختلافات مرزی و ارضی با یکدیگر هستند که به شدت بر روی مناسبات و روابط ژئوپلیتیک با یکدیگر تأثیرگذار است. این کشورها اغلب دارای وسعت اندک و نیازمند سرزمین بیشتر برای احداث صنایع نفت و گاز و همچنین صنایع پایین‌دستی هستند. بنابراین، اختلافات سرزمینی فراوانی بر سر مناطق، جزایر و مرزهای مشترک در این قلمرو وجود دارد. در میان این هشت کشور، حوزه خلیج فارس، ناآرام‌ترین و ناراضی‌ترین کشور عراق بوده که در فاصله یک دهه دو بار وارد جنگ با همسایگان خود به دلیل اختلافات ارضی و مرزی شده است، اما مشکل مرزها در این منطقه به عراق ختم نمی‌شود. عربستان سعودی با همه همسایگان خود از عمان تا کویت، اختلافات مرزی و ارضی حل نشده دارد. در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران که سراسر مرزهای شمال خلیج فارس را در اختیار دارد، با دو مشکل رو بروست. مشکل نخست، مرزهای دریایی افزاینده با کویت و عمان که برای حل آن، اقدامات تعیین حدود مرزی به‌کندی پیش می‌رود. مشکل دوم؛ اختلافات مرزهای دریایی ایران و امارات متحده عربی است که به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت، امیدی برای حل آن در شرایط روابط خاکستری موجود بین دو کشور و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجود ندارد. در ادامه در جدول زیر مهم‌ترین ادعاها و اختلافات سرزمینی در منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول ۱: اختلافات سرزمینی در منطقه خلیج فارس

نام کشور	اختلافات ارضی	علل اختلاف
ایران	۱. اختلاف با عراق	• رودخانه اروندرود
	۲. اختلاف با کویت	• خط مبدأ، فلات قاره، حوزه‌ی انرژی آرش
	۳. اختلاف با امارات	• تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی
عراق	۴. اختلاف با ایران	• رودخانه اروندرود
	۵. اختلاف با کویت	• جزایر بوبیان و وره
	۶. اختلاف با عربستان	• منطقه بی‌طرف
عربستان	۷. اختلاف با عراق	• منطقه بی‌طرف
	۸. اختلاف با کویت	• جزایر قروه و ام‌المردایم
	۹. اختلاف با عمان	• اختلاف ارضی
	۱۰. اختلاف با قطر	• منطقه ابوالخفوس و جزیره حالول
کویت	۱۱. اختلاف با عربستان	• جزایر قروه و ام‌المردایم
	۱۲. اختلاف با عراق	• جزایر بوبیان و وره
	۱۳. اختلاف با ایران	• خط مبدأ، فلات قاره، حوزه‌ی انرژی آرش
امارات	۱۴. اختلاف با قطر	• خور العدید
	۱۵. اختلاف با ایران	• تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی
	۱۶. اختلاف با عمان	• مالکیت منطقه بریمی و مناطق نفتی راس الخیمه
قطر	۱۷. اختلاف با عربستان	• منطقه ابوالخفوس و جزیره حالول
	۱۸. اختلاف با امارات	• خور العدید
	۱۹. اختلاف با بحرین	• مجمع الجزایر حوار
عمان	۲۰. اختلاف با امارات	• مالکیت منطقه بریمی و مناطق نفتی راس الخیمه

۱. افزاز در اینجا به معنای تحدید حدود و ترسیم شدن مرز میان ایران و کشورهای کویت و عمان است که تا کنون انجام نشده است.

• اختلاف ارضی	۲۱. اختلاف با عربستان	
• مجمع الجزایر حوار	۲۲. اختلاف با قطر	بحرین

منبع: (رحیم پور، ۱۳۸۹: ۱۸).

از بعد قلمروهای دریایی، کنترل و مالکیت مناطق دریایی که در مجاورت سرزمین‌های کشورها قرار دارند؛ از جمله مناطقی که دارای امتداد دریا هستند، مدت‌ها موضوع بحث برانگیز در روابط کشورها بوده و منجر به اختلافات ژئوپلیتیک شده است. از زمانی که امپراتوری‌های باستانی شروع به کشتی‌رانی و تجارت در خارج از کشور کردند، نظارت و اقتدار بر نواحی ساحلی، موضوع مهمی برای نهادهای حاکم بر چنین مناطقی بوده است. اهمیت این مناطق به خاطر آن است که حاکمیت کشورها بر قلمرو آن‌ها را مشخص می‌نماید. در این میان، وجود منابع زیرزمینی به خصوص منابع هیدروکربنی در بستر و در محدود فلات قاره، اهمیت مرزهای دریایی و نقش آن در روابط کشورها را بیش از پیش نمایان می‌سازد. بنابراین وجود حوزه و قلمروهای دریایی مورد اختلاف میان کشورها، مبنایی برای تعاملات، رقابت در بهره‌برداری‌ها و تنش ژئوپلیتیکی میان کشورها را فراهم می‌سازد. در منطقه خلیج فارس در محدوده فلات قاره، ۱۶ مرز دریایی وجود دارد. در این میان، ۷ مورد همکاری و تعامل میان کشورها وجود داشته و مرزهای دریایی در میان آن‌ها تحدید حدود شده است که در ادامه آورده شده است: بحرین - عربستان سعودی، ایران - عربستان، ایران - بحرین، قطر - ایران، قطر - امارات متحده عربی، ایران - عمان، بحرین - قطر (مورد اختلاف جزایر حوار که در ۱۶ مارس ۲۰۰۱ در دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل شد. البته هنوز هم تنش‌هایی میان دو کشور در این مورد وجود دارد). همچنین ۹ مرز در محدود فلات قاره میان کشورهای منطقه وجود دارد که تحدید حدود نشده است و اختلاف میان کشورها در این مرزها همچنان ادامه دارد که در ادامه آورده شده است: ایران - امارات متحده عربی؛ عمان - امارات متحده عربی؛ قطر - عربستان سعودی، عربستان سعودی - قطر (مورد خورالعدید)؛ عربستان سعودی - ابوظبی (مورد خورالعدید)؛ کویت - ایران؛ کویت - عراق؛ کویت - عربستان سعودی؛ ایران و عراق (Mojtahedzadeh & zarei, 2017: 55).

اختلافات استراتژیک

اختلافات استراتژیک، اشاره به اختلافات موجود بر سر مکان‌ها و قلمروهای استراتژیک دارد. مهم‌ترین مکان‌ها و نقاط استراتژیک؛ شامل رودخانه‌های بین‌المللی، جزایر و تنگه‌های بین‌المللی هستند که در ادامه مهم‌ترین موارد مورد اختلاف مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- رودخانه اروندرود: یکی از مهم‌ترین موارد مورد اختلاف در خلیج فارس که منجر به اختلافات استراتژیک و حتی تنش ژئوپلیتیکی در خلیج فارس شده رودخانه اروندرود است. دو کشور ایران و عراق بر سر اروندرود و خط مرزی دو کشور در آن با یکدیگر اختلاف دارند.

امروزه از نظر ژئوپلیتیکی، اروندرود مهم‌ترین راه دسترسی عراق به خلیج فارس است. سواحل ۴۰ کیلومتری عراق در خلیج فارس، از این ناحیه قابل استفاده بهینه نیست. صدور نفت و حمل و نقل کالا از طریق اروندرود برای عراق امری حیاتی است. از سوی دیگر، اروندرود برای ایران هم دارای اهمیت است. این رود تنها رودخانه قابل کشتی‌رانی ایران می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیت استراتژیک این رودخانه در طول دوران تاریخی، همواره یکی از زمینه‌های اختلافات ژئوپلیتیکی میان دو کشور بوده است. اختلاف بر سر اروندرود که سابقه‌ای ۱۷۰ ساله دارد و از قرن ۱۹ موضوع مناقشه‌ای جدی بین ایران و عثمانی بود. از سال ۱۹۶۰ میلادی، از سوی عراق و با استناد به عهدنامه ۱۹۳۸ آغاز شد و زمینه ۴۰ سال تیرگی روابط دو دولت، جنگی طولانی و دوباره پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره از جانب عراق را فراهم کرد. دولت عراق در طرح ادعاهایش علیه ایران و کویت، در پی غلبه بر موقعیت نامناسب فضای سرزمینی خود بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۵). بنابراین وجود رودخانه اروندرود در مرز میان ایران و عراق و تلاش عراق برای فرار از خفگی ناشی از دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد، واقعیتی است استراتژیک که در طی فرایند تاریخی، منشأ اختلافات ژئوپلیتیکی و بجران و ناآرامی در منطقه خلیج فارس بوده است.

• جزایر: در خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک وجود دارد که برخی مسکونی و بعضی غیرمسکونی هستند. درباره حاکمیت بر برخی از جزایر بین کشورهای منطقه اختلاف نیز وجود دارد. بنابراین در منطقه خلیج فارس چندین جزیره وجود دارند که منشأ اختلافات استراتژیک میان کشورها شده است؛ نظیر اختلافات میان ایران و امارات بر سر مالکیت جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، اختلافات میان بحرین و قطر بر سر مجمع‌الجزایر حواری و اختلافات بحرین و عربستان بر سر جزایر لبینه صغیره و کبیره، اختلافات عراق و کویت بر سر جزایر بویان و وره، اختلافات عربستان و کویت بر سر جزایر قروه و ام‌المردیم و اختلافات قطر و عربستان بر سر جزایر ابوالخفوس و جزیره حالول.

• تنگه هرمز: یکی دیگر از نقاط استراتژیک منطقه خلیج فارس که در رویکرد، روابط و اختلافات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس اثرگذار است، تنگه استراتژیک هرمز است. تنگه هرمز، ویژگی‌هایی دارد که بر اهمیت استراتژیک آن در اختلافات ژئوپلیتیکی میان کشورها می‌افزاید؛ از جمله واقع شدن تنگه هرمز در ابتدای دهلز فلات ایران، زمینه را برای ورود نیروهای مهاجم به داخل فلات ایران و شکل‌گیری تنش ژئوپلیتیکی مهیا می‌سازد. نقش کنترلی و تدافعی تنگه هرمز بر شبه‌جزیره عربستان (یکی از ویژگی‌های تنگه هرمز به‌خصوص بخش شمالی به‌همراه جزایر آن که در اختیار ایران قرار دارد، تکیه‌گاه دفاعی و نقش کنترلی بسیار قوی بر شبه‌جزیره عربستان دارد)، موقعیت شمالی تنگه در نظریه ریملند (براساس نظریه تأیید شده اسپایکمن، ریملند اصولاً عرصه کشمکش و رقابت ژئوپلیتیکی دو قدرت بحری و بری (دریایی

و زمینی) بوده و هر دو قدرت، برای جلوگیری از نفوذ و تسلط بر آن در تلاش و تکاپو بوده‌اند). بخش شمالی تنگه هرمز، عامل مهمی در تأمین امنیت منطقه خلیج فارس و جریان مداوم انرژی و ایجاد آسایش و رفاه مردم ساکن در این منطقه استراتژیک است. ارتباط تنگه هرمز به آب‌های آزاد اقیانوس هند، تنگه هرمز، همچنین برای دفاع از شبه‌جزیره مسندم عمان نیز حائز اهمیت فراوان است و در نهایت تنگه هرمز، یکی از نه آبراه کلیدی و استراتژیک غیر قابل جایگزین جهان است که نقش حیاتی در روابط کشورها دارد.

اختلافات اقتصادی

اختلافات اقتصادی، ناظر بر اختلافات میان کشورها در زمینه منابع انرژی و مسائل ژئواکونومیکی مورد اختلاف میان کشورهاست. مطالعه نظریه‌های ارائه شده توسط اندیشمندان، نشان دهنده اهمیت انرژی و منابع ژئواکونومیک در روابط کشورهاست. چنین مهمی در تئوری-های جفری کمپ، برژینسکی، لوتواک مشاهده می‌گردد. آمار و ارقام، نشان از این دارد که کانون و مرکزیت تولید نفت جهان کاملاً از شمال به جنوب تغییر کرده است. طبق ارزیابی که بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۱۲ انجام داده، کل ذخایر اثبات شده نفت در جهان، کمابیش ۱۶۵۳ میلیارد بشکه برآورد شده است که حدود ۷۹۵ میلیارد بشکه آن در منطقه خلیج فارس قرار دارد، این مقدار برابر با ۶۱ درصد از کل ذخایر نفت جهان است. اما در کنار این اهمیت و موقعیت ممتاز، متأسفانه این منطقه در طول صد سال اختلافات و تنش‌های ژئوپلیتیکی را پشت سر گذاشته است. در واقع وجود منابع انرژی موجود در منطقه و موقعیت ژئواکونومیکی مناسب منطقه، منجر به حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛ نظیر آمریکا، چین، روسیه و اروپا در خلیج فارس در راستای دستیابی به منابع بیشتر و همچنین فروش تسلیحات شده که این عوامل، منجر به اختلافات ژئوپلیتیکی میان کشورهای منطقه شده است. میدان‌های نفتی خلیج فارس از نظر میزان ذخایر نفتی، به میدان‌های غول‌پیکر نفتی که حداقل از ابتدا ۵۰۰ میلیون بشکه نفت دارند و میدان‌های ابرغول پیکر که در آغاز حداقل ۵ میلیارد بشکه نفت دارند، تقسیم می‌شوند. در این میان، ۹ میدان از ۱۰ میدان غول‌پیکر نفتی و ۲۸ میدان از ۳۳ میدان ابرغول پیکر نفتی در خلیج فارس قرار دارند. بنابراین، از بعد اقتصادی و منابع انرژی، منطقه خلیج فارس دارای ظرفیت بسیار بالایی برای رقابت میان قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به تبع آن اختلافات میان کشورهای منطقه تحت تأثیر روابط آن‌ها با قدرت‌های فرامنطقه‌ای فراهم می‌آورد؛ نظیر روابط نزدیک آمریکا با عربستان و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس در زمینه منابع انرژی و فروش تسلیحات که منجر به رقابت و اختلافات ژئوپلیتیکی این کشورها با ایران و عراق به‌عنوان دو کشور دیگر منطقه‌ای شده است.

در سوی دیگر، یکی دیگر از حوزه‌های اقتصادی مورد اختلاف میان کشورهای حوزه خلیج-فارس، وجود میادین مشترک انرژی موجود در مناطق مرزی و مورد اختلاف میان کشورها است.

بررسی میداین مشترک در خلیج فارس نشان می‌دهد که ایران با عربستان حداقل در سه میدان اسفندیار، فرزاد و فرزاد مشترک است. این سه میدان، از سمت عربستان به ترتیب به نام‌های لؤلؤ، مرجان و حصه شناخته می‌شوند. با قطر میدان مشترک پارس جنوبی وجود دارد که قطری‌ها آن را گنبد شمالی می‌نامند. علاوه بر این میدان مشترک، رشادت قطر با ایران مشترک است که در قطر سواالخلیج نامیده می‌شود. امارات نیز چهار میدان مشترک با ایران به نام‌های سلمان، فرزام، نصرت و مبارک دارد که اولی دارای دو لایه نفتی و گازی که در امارات سوابالبحوش نامیده می‌شود. فرزام در امارات فلاح و نصرت نیز سوفاتح نامیده می‌شود. حوزه مبارک که تنها حوزه استثنایی در خلیج فارس است و به صورت مشترک بین دو کشور بهره‌برداری می‌شود. ایران همچنین با عمان میدان مشترک هنگام را دارد که در عمان به عنوان بخای غربی شناخته می‌شود. هم‌اکنون میدان مشترک آرش، میان سه کشور ایران، کویت و عربستان وجود دارد که در آن سوی خلیج دوره نامیده می‌شود و هنوز توسط هیچ‌کدام از ذی‌نفعان مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است و مورد اختلاف است. همچنین منطقه بی‌طرف میان عربستان، عراق و مناطق نفتی رأس‌الخیمه میان عمان و امارات از دیگر میداین مشترک موجود در منطقه است. به غیر از حوزه مبارک، همه مخازن مشترک نامبرده در خلیج فارس به صورت جداگانه توسط کشورهای ذی‌نفع مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و در همه حوزه‌ها کشورهای منطقه خلیج فارس در اختلاف و رقابت ژئوپلیتیکی با یکدیگر قرار دارند که این امر منجر به تولید غیرصیانتی و خسارت زیاد بر میداین مشترک شده است.

اختلافات فرهنگی

اختلافات فرهنگی در خلیج فارس، در زمینه گروه‌های قومی و رقابت‌های تاریخی و تمدنی مشاهده می‌گردد. به عنوان یک اصل کلی می‌توان گفت؛ همه مناطق موققی که تاکنون در عرصه جغرافیای سیاسی جهان نقش آفرین بوده‌اند، کشورهای آن منطقه دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی مشترکی بوده که از زیربنای ساخت نظام منطقه‌ای برخوردار بوده‌اند. اتحادیه اروپا، آسه‌آن، مرکوسور و ... از این گونه‌اند. در منطقه خلیج فارس نیز دین اسلام و ارزش‌های مشترک آن می‌تواند چنین نقشی را در ایجاد تعامل ژئوپلیتیکی داشته باشد؛ مشروط بر این که دولتمردان منطقه بر روی اصول مشترک، مورد اجماع و وحدت‌بخش به تفاهم برسند و از عوامل تفرقه‌انگیز که در همه فرهنگ‌های منطقه‌ای مشترک می‌تواند وجود داشته باشد، پرهیزند. در حال حاضر، عامل مذهب بیشترین عامل اختلاف ژئوپلیتیکی است که در منطقه خلیج فارس به ایفای نقش می‌پردازد. شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی در کشورهای پیرامون منطقه و نوع رویکرد کشورهای منطقه نسبت به مسأله فلسطین و بحران‌های یمن، سوریه، لبنان، عراق و بحرین، بیانگر تأثیرگذاری مذهب در روابط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه است (Dina, 2019). از سوی دیگر، بررسی گروه‌های قومی در منطقه خلیج فارس، بیانگر وحدت در بخش جنوبی خلیج فارس در

قالب اکثریت عرب آن‌ها و تفاوت آن‌ها با بخش شمالی؛ یعنی ایران با اکثریت فارس می‌باشد. در واقع این وحدت خود باعث تعامل و همکاری در میان کشورهای جنوبی بوده و در نقطه مقابل به‌عنوان یک عامل بازدارنده منجر به اختلاف، رقابت و تقابل ژئوپلیتیکی ایران با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس شده است.

بنابراین می‌توان گفت که عوامل واگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس؛ مانند تمایزات فرهنگی شامل تمایزاتی در قومیت، مذهب، زبان، خط و فرهنگی با ایران، موجب ایجاد یک مجموعه واگرا در منطقه خلیج فارس گردیده است. تمایزات تاریخ سیاسی ایران با کشورهای پیرامون خلیج فارس در کنار دیگر تمایزات، باعث ایجاد فرهنگ‌های نوظهوری در بین کشورهای تازه استقلال یافته خلیج فارس گردید که از دیگر عواملی است که منجر به اختلاف و واگرایی کشورهای منطقه شده است. وجود حکومت‌های اقتدارگرایی فردی، سلطنتی و قبیله‌ای، بیشتر نظام‌های سیاسی منطقه خلیج فارس را دچار چالش مشروعیت ساخته است (ربیعی و صادقی، ۱۳۹۰: ۴۵۴).

جدول ۲. اقوام مختلف ساکن در منطقه خلیج فارس

ایران	فارس ۵۱ درصد	آذری ۲۴ درصد	کرده ۷ درصد	عرب ۳ درصد	ترکمن ۲ درصد	گیلانی و مازنی ۱۵ درصد
عربستان سعودی	عرب ۹۰ درصد	یمنی ۵ درصد	افغانی ۱ درصد	آفریقای ۴ درصد		
عراق	عرب ۸۰ درصد	کرد ۱۵ درصد	ترکمن ۲ درصد	آسوری ۲ درصد		
کویت	عرب ۵۰ درصد	ایرانی ۷ درصد	آسیای جنوبی	هندی، آسیای جنوبی ۹ درصد	اعراب شمال آفریقا ۱۰ درصد	دیگر ---
قطر	عرب ۴۰ درصد	پاکستانی ۱۸ درصد	هندی ۱۸ درصد	ایرانی ۱۰ درصد	بقیه اقوام ۱۴ درصد	-----
امارات متحده عربی	عرب ۱۸ درصد	ایرانی ۱۰ درصد	آسیای جنوبی ۵۰ درصد	آسیای جنوب غربی ۸ درصد		-----
عمان	عرب ۸۰ درصد	بلوچی ۵ درصد	هندی	پاکستانی	بنگالی	آفریقای
بحرین	عرب ۶۳ درصد	آسیای جنوبی ۱۸ درصد	دیگر اعراب ۱۰ درصد	ایرانی ۸ درصد		-----

(منبع: www.pewresearch2020.org) (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۰).

اقوام ساکن در منطقه خلیج فارس را اغلب اعراب سامی و حامی (شاخه‌ای از نژاد سفید قفقازی) که حدود ۳۹ درصد جمعیت منطقه خلیج فارس را در بر می‌گیرد و در هفت کشور جنوبی خلیج فارس ساکنند. قوم بزرگ دیگر، ساکن در منطقه آریایی‌های ساکن در ایران و مهاجران ایرانی مستقر در کشورهای عربی منطقه است که حدود ۲۹ درصد جمعیت منطقه را شامل می‌شود. قوم پرستی افراطی در بین گروه‌هایی از اعراب و ایرانیان که همواره خواستار ایجاد خط حائل بین عرب و ایرانی هستند، دست رد بر همکاری با طرف دیگر زده است و عاملی بازدارنده در تعامل ژئوپلیتیکی و همکاری راهبردی قلمداد می‌شود. یکی از موضوع‌هایی که سبب اختلافات ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس می‌شود، تفاوت‌های قومی و اختلاف‌های تاریخی موجود در میان این کشورهاست. مشکل دیگر، نظام‌های حکومتی کشورهای منطقه

خلیج فارس است. دو کشور ایران و عراق، در حال حاضر دو نظام دموکراتیک متفاوت دارند، حکومت ایران ریشه مذهبی و ایدئولوژیک دارد و حکومت عراق، گرچه اسلام را به‌عنوان دین رسمی و مبنای قانون‌گذاری پذیرفته است، اما ساختار حکومت این کشور، عمدتاً عرفی است و ریشه در ویژگی‌های یک حکومت ملی دارد؛ تنها تلاش می‌کند تا قوانین مصوبه مجلس، خلاف شرع نباشد، اما شش کشور حوزه جنوبی خلیج فارس، حکومت‌های ایلی و قبیله‌ای خود را حفظ کرده‌اند. در دوره اخیر، زیر فشارهای داخلی و بین‌المللی، نوسازی‌هایی نیز انجام داده‌اند. در این نظام‌های سیاسی هشت‌گانه، به تعداد این کشورها تفاوت و تعارض دیده می‌شود که هیچ زمینه مشترک همکاری در میان آن‌ها دیده نمی‌شود. نهادهای مشترکی که بتوان از آن‌ها به‌عنوان سنگ بنای مشترک همکاری و تعامل لازم تعریف کرد، وجود ندارد و با گذشت زمان، اختلاف این کشورها با یکدیگر بیشتر نیز می‌شود. در ده سال گذشته، زمینه‌های همکاری بین این کشورها بیشتر از امروز بود و شاید در سال‌های آتی این فاصله باز هم بیشتر شود.

اختلافات زیست محیطی

اختلافات زیست محیطی در منطقه خلیج فارس، خود را بیشتر در قالب آلودگی دریا و کمبود منابع به‌خصوص منابع آب نشان می‌دهد. کشورهای نفت‌خیز عربی؛ نظیر کویت، قطر، بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی جزء پنج کشور هستند که در سطح دنیا، کمترین منابع آب سرانه را دارند (World Bank, 2020). ظرفیت شیرین کردن آب در عربستان سعودی، به تنهایی معادل ۳۰ درصد کل ظرفیت جهان است. همچنین کویت و اغلب امارات دیگر خلیج فارس، برای تأمین آب آشامیدنی خود بیشتر به شیرین کردن آب دریا متکی هستند (کندی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳). در ارتباط با کشور عراق باید گفت که حدود ۷۰ درصد از آب معرفی این کشور، از حوضه‌های آبریز کشورهای همسایه وارد خاک این کشور می‌شود. بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل، ایران از جمله کشورهایی است که در سال ۲۰۲۵ با کمبود مزمن آب روبرو خواهد شد (Lehane, 2014 : 2-4). لازم به ذکر است؛ کل آب مورد استفاده در ایران ۹۷ میلیارد متر مکعب در سال است که ۹۲ درصد آن در بخش کشاورزی، ۵ درصد در بخش صنعت و ۶ درصد در شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین تمام کشورهای حوزه خلیج فارس با کمبود آب روبرو هستند و منابع آب و رودخانه‌های مرزی مشترک، می‌تواند عاملی برای رقابت و تنش در روابط کشورهای منطقه باشد. با توجه به انزوای ژئوپلیتیکی کشور عراق در منطقه خلیج فارس، تداوم وضعیت موجود می‌تواند در آینده انفجارآمیز باشد و بار دیگر منطقه را با بحرانی بزرگ مواجه کند. هرچند که سابقه منازعه و اختلافات کشور عراق بر سر عوامل ژئوپلیتیک منطقه با کشورهای همسایه خود نیز تأییدی بر این مدعا است. علاوه بر عراق، طرف دیگر منازعات هیدروپلیتیک در قسمت سفلی رودخانه‌های دجله و فرات در منطقه خلیج فارس، کشورهای کویت و عربستان سعودی هستند

که هر دو با بحران منابع آب شیرین مواجه هستند. عربستان سعودی با ۱۱۸ مترمکعب سرانه آب تجدیدپذیر، از جمله کشورهایی است که با تنش شدید آب هم در بخش کشاورزی و هم مصارف شهری و صنعتی مواجه است (Al-Zahrani, 2011: 601-604). کویت نیز وضعیتی به مراتب بدتر از عربستان سعودی داشته و کم‌آب‌ترین کشور دنیا در دهه‌های آینده خواهد بود؛ به طوری که سرانه مصرفی آب این کشور به ازای هر نفر در سال، یازده متر مکعب تخمین زده می‌شود (Fadlelmawle & Al Otiabi, 2005: 555-556).

بنابراین این واقعیت ژئوپلیتیکی، امروز مورد اذعان همه اندیشمندان بوده است که جغرافیای خشک، کم‌توان و ظرفیت اقتصاد ایلی و کشاورزی ضعیف کشورهای منطقه خلیج فارس، زمینه‌ساز بخشی از اختلافات ژئوپلیتیکی در منطقه بوده است. اگر به جغرافیای سرزمینی و طبیعی شبه‌جزیره عربستان و هفت کشوری که در همسایگی ایران قرار دارند، از منظر آب، خاک حاصل‌خیز، کشاورزی، تأمین نیازهای معیشتی و زیستی مردم آن دیار بنگریم، بهتر می‌توانیم وضعیت آب و روابط کشورها را بررسی کنیم.

جدول ۳: میانگین بارندگی سالانه، ماه‌های بارندگی و رودهای کشورهای منطقه خلیج فارس

ایران	۲۶۰ میلی‌متر	مهر- آبان- آذر- دی- بهمن- اسفند- فروردین	۶۲ رود دائمی و صدها رود فصلی
عراق	۱۰۰ میلی‌متر	آبان- آذر- دی- بهمن	۷ رودخانه دائمی
عربستان سعودی	۱۰۰ میلی‌متر	آذر- دی- بهمن- فروردین	فاقد رودخانه دائمی
کویت	۱۰۸ میلی‌متر	آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی
عمان	۱۵۰ میلی‌متر	مهر- آذر- فروردین- شهریور	فاقد رودخانه دائمی
قطر	۱۱۵ میلی‌متر	آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی
امارات متحده عربی	۶۵ میلی‌متر	مهر- آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی
بحرین	۱۰۰ میلی‌متر	آبان، آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی

Source: Fao2020.org

جدول ۴: میزان اراضی قابل کشت و غیرقابل کشت کشورهای منطقه خلیج فارس

ایران	۱۰٪ قابل کشت	۹۰٪ غیر قابل کشت
عربستان سعودی	۱٪ قابل کشت	۹۹٪ غیر قابل کشت
عراق	۵٪ قابل کشت	۹۵٪ غیر قابل کشت
کویت	۰/۳٪ قابل کشت	۹۹/۹۷٪ غیر قابل کشت
قطر	۱٪ قابل کشت	۹۹٪ غیر قابل کشت
عمان	۳٪ قابل کشت	۹۷٪ غیر قابل کشت
امارات متحده عربی	۲/۵٪ قابل کشت	۹۷/۵٪ غیر قابل کشت
بحرین	۲٪ قابل کشت	۹۸٪ غیر قابل کشت

Source: Fao2020.org

با توجه به دو جدول بالا و آنچه تا به اینجا در خصوص ریزش‌های جوی، اراضی قابل کشت و غیرقابل کشت و اقتصاد کشاورزی منطقه جنوب خلیج فارس مطرح شد، نشان می‌دهد که این منطقه از ابتدای سکونت بشری تا قبل از کشف نفت و حتی امروز دارای کمبود آب و فاقد توان لازم برای ایجاد یک اقتصاد کشاورزی پویا و ساخت یک حکومت فتودالی برآمده از آن؛ نظیر آنچه در اروپای سده میانه روی داده، برخوردار نبوده است. به همین دلیل، این مؤلفه نقش مهمی در روابط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه ایفا نموده است. به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نزدیک،

آب همچون نفت نقش مهمی در روابط کشورهای منطقه ایفا کند. تمام کشورهای منطقه با کمبود منابع آب مواجه هستند و بیش از ۹۰ درصد از آب‌های زیرزمینی در هشت کشور حوزه خلیج-فارس مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این مؤلفه‌ها با اقلیم خشک و کم‌بارش منطقه، کمبود رودخانه‌های دائمی و اراضی غیرقابل کشت زیاد منطقه اضافه می‌گردد و بستر را برای اختلافات ژئوپلیتیکی کشورها فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

خلیج فارس از رنسانس به این سو، از آبراهی با موقعیت ارتباطی و جایگاهی منطقه‌ای به موقعیتی استراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک و ژئوانرژی در مناسبات و روابط میان کشورها بدل گشت. نقش و اهمیت خلیج فارس به‌عنوان منطقه‌ای محوری در نظریات ژئوپلیتیکی «هارتلند»، «ریملند»، «بیضی استراتژیک انرژی»، «مرکز مرکز» و غیره مشاهده می‌گردد. همچنین وجود منابع ژئواکونومیک و بخصوص ذخایر هیدروکربنی، اهمیت این منطقه را همواره در روابط کشورها نشان می‌دهد. از سوی دیگر، منطقه خلیج فارس با توجه به دارا بودن اهمیت راهبردی، از جهت ژئوپلیتیکی دچار اختلافات گوناگونی است که می‌تواند موجب اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان‌ها گردد که شناسایی این اختلافات و تلاش برای حل و فصل آن‌ها، گامی در جهت تعامل و جلوگیری از تنش و درگیری در منطقه است. مهم‌ترین اختلافات ژئوپلیتیکی موجود در منطقه، در پنج بعد «سرزمینی، اقتصادی، فرهنگی، استراتژیک و زیست‌محیطی» قرار دارد و چون ریشه اختلافات ژئوپلیتیکی در جغرافیا و مؤلفه‌های جغرافیایی موجود در منطقه است، حل و فصل اختلافات همواره در دوران تاریخی با مشکل مواجه بوده است.

از حیث سرزمینی و جغرافیایی، تقریباً تمام کشورهای منطقه با هم اختلاف سرزمینی دارند. اختلافات عراق با ایران و امارات، اختلافات عربستان با عراق، کویت و قطر، اختلافات ایران با امارات متحده عربی و عراق، اختلافات قطر با عربستان، بحرین و امارات، اختلافات عمان با امارات و عربستان و در نهایت اختلافات بحرین با قطر، نمونه‌ای از مهم‌ترین اختلافات سرزمینی در منطقه خلیج فارس است که محوریت شکل‌گیری این اختلافات بر روی سرزمین و مرزها شکل گرفته است. از حیث مرزهای دریایی، نه قلمرو دریایی، از شانزده قلمرو دریایی در منطقه خلیج فارس میان کشورها مورد نظر مورد اختلاف است و تحدید حدود نشده است.

از حیث استراتژیک، وجود نقاط استراتژیک در منطقه؛ نظیر تنگه هرمز، جزایری نظیر ابوموسی، تنب، حواری و وجود رودخانه اروندرود، خود عاملی برای اختلافات ژئوپلیتیکی میان کشورهای منطقه بوده و هست.

از حیث اقتصادی نیز میادین دریایی مشترک و وجود منابع انرژی موجود در منطقه، منجر به دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛ نظیر آمریکا، اروپا، روسیه، چین و حتی اسرائیل شده است که

این روابط، اختلافات میان کشورهای منطقه را در دوران تاریخی تشدید کرده است. در ارتباط با میدان‌های دریایی به استثنای میدان مشترک مبارک که مورد بهره‌برداری مشترک ایران و امارات متحده عربی قرار گرفته است، سایر میدان‌ها به صورت جداگانه توسط کشورها مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و بهره‌برداری مشترک از آن‌ها مورد اختلاف میان کشورهای منطقه است.

از حیث فرهنگی نیز رقابت‌های تاریخی و تمدنی موجود میان قوم عرب و عجم و همچنین تعدد گروه‌های قومی میان کشورهای منطقه و ژئوپلیتیک فرقه‌گرایی ناشی از مذهب در منطقه، بر اختلافات میان کشورهای منطقه دامن زده است. در این منطقه، تحت تأثیر سازماندهی سیاسی فضای شکل گرفته در منطقه، باعث عدم انطباق مرزهای سرزمینی با مرزهای قومیتی و فرهنگی شده است که پیامد آن اختلافات فرهنگی و قومی موجود در منطقه است. از حیث مذهبی نیز دین اسلام به عنوان دین مشترک کشورهای منطقه می‌تواند مبنایی برای تعامل و شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای باشد، اما رشد و گسترش گروه‌های تکفیری، تروریستی و حمایت کشورهای منطقه از این گروه‌ها به خصوص عربستان منجر به اختلافات کشورهای منطقه شده است و در نهایت از حیث زیست‌محیطی، کمبود منابع آب میان کشورهای منطقه که تقریباً تمام کشورهای منطقه با این معضل مواجه هستند و آلودگی محیط زیست دریایی خلیج فارس بر اختلافات کشورها تأثیرگذار بوده است. تقریباً ۹۰ درصد از آب‌های زیرزمینی در منطقه خلیج فارس مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و همه کشورهای منطقه با کمبود منابع آب مواجه هستند. از سوی دیگر، با توجه به بهره‌برداری‌های بدون توجه به محیط‌زیست دریایی در منطقه خلیج فارس به خصوص بهره‌برداری از منابع فلات قاره، منجر به آلودگی‌های محیط‌زیست دریایی شده که این موارد خود عاملی برای اختلافات میان کشورها بوده و این احتمال بسیار وجود دارد که کمبود آب در منطقه، منجر به اختلافات کشورها در آینده نزدیک در منطقه شود.

کوتاه سخن این که جغرافیای ویژه خلیج فارس که این منطقه را سرشار از منابع هیدروکربنی کرده و محوریت ارتباطی ویژه‌ای را در حد فاصل سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا به آن بخشیده است، از یکسو مبنایی برای اختلافات ژئوپلیتیکی میان کشورهای منطقه در طول دوران تاریخی فراهم آورده و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه ایجاد کرده است که اختلافات میان کشورها را تشدید می‌کنند. در حال حاضر، آمریکا، روسیه و اروپا فروشندگان اصلی تسلیحات در منطقه خلیج فارس هستند که وضعیت موجود مطابق با خواسته آن‌هاست.

کتابنامه

- ربیعی، حسین و موسی صادقی (۱۳۹۰)، «تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های جغرافیای سیاسی ایران در خلیج فارس در قرن بیست و یکم»، مجموعه مقالات دهمین همایش ملی علمی - پژوهشی خلیج فارس.
- رحیم‌پور، علی (۱۳۸۹)، «امنیت خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، ۳(۱): ۱۱-۳۰.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، «ایران و همسایگان: منابع تهدید و تنش»، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- کندی، پل (۱۳۹۲)، «جهان تا سال ۲۰۲۵»، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

References

- Al-Zahrani, Khodran H. and M. B. Baig. (2011), "Water In The Kingdom Of Saudi Arabia: Sustainable Management Options", *The Journal of Animal & Plant Sciences*, Vol.21, No.3.
- C.S. Gray (2013), *Perspectives on Strategy*, Oxford: Oxford University Press, p 125 .
- Collins. John M (1998), *Military Geography: For Professionals and the Public* . Department for communities and local Government. London.
- Fadlelmawla, A., M. Al-Otaibi (2005), "Analysis of the Water Resources Status in Kuwait", *Water Resources Management*. Vol.19.No.5: 555-570.
- J.J. Grygiel (2016), *Great Powers and Geopolitical Change*, Baltimore: John Hopkins University Press.
- James E. Dougherty and Robert L. Pfaltzgraff (1981), *Contending Theories of International Relations*. publisher: Longman Higher Education.
- Karimipour, Yadollah (2000), "*Iran and its Neighbors: Sources of Threat and Tension*", Tarbiat Moallem University Jihad Publications .(in Persian).
- Kennedy, Paul (2013), "*The world until 2025*", translated by Abbas Mokhber, Tehran: New plan .(in Persian).
- Lehane, Sinéad (2014), "The Iranian Water Crisis", *Future Directions International*, Available at: < <http://www.futuredirections.org>.
- Mojtahed-Zadeh, Pirouz & Bahador Zarei (2017), Maritime Boundary Delimitations in the Persian Gulf, *International Studies Journal (ISJ)* , Vol. 14 , No.2 , fall 2017 , pp.49-66.
- R. Aron (2019), *Peace and War*, London: Weidenfeld and Nicolson.
- Rabiee, Hossein and Musa Sadeghi (2011), "Analysis of Opportunities and Challenges of Iran's Political Geography in the Persian Gulf in the 21st Century", *Proceedings of the 10th Persian Gulf National Scientific-Research Conference*.(in persian).

- Rahimpour, Ali (2010), "*Persian Gulf Security and Iran's Strategic Position*", Human Geography Quarterly, Third Year, First Issue.(in Persian).
- Rashed, dina (2019). *Geography, Resources and the Geopolitics of Middle East Conflicts*, <https://www.e-ir.info/2019/05/24/geography-resources-and-the-geopolitics-of-middle-east-conflicts/>.
- Sloan, G. (2017) *Geopolitics, geography and strategic history*. Geopolitical Theory. Routledge, Abingdon, UK, pp272.
- www. Fao2020.org
- www.bp.com /statistical review 2018.
- www.Britanica2021.com
- www.pewresearch2020.org
- www.pewresearch2020.org
- www.worldbank.com